



۲۰۱۶/۰۷/۲۲



میر محمد یونس واعظی (*)

یاد ایامی که با تدبیر شاهی داشتیم (**)



یاد ایامی که ما هم عز و جاهی داشتیم
نی غمین بودیم و نی روز سیاهی داشتیم

بود بین ما و یاران شیوه صدق و صفا
دستگیری ها به هر شام و پگاهی داشتیم

ملحدان میهن و روسان استعمار جو
راه کج پیمود و مایان راست راهی داشتیم

از هجوم لشکر اشغالگر پر خشم روس
نقش خونین در وطن با اشک و آهی داشتیم

قتل کرد و ثروت و هستی به یغما در ربود
با همه ماین فراوان فرش راهی داشتیم

تحت استبداد و استعمار روس بد سرشت
حال دهشت زما به روز و سال و ماهی داشتیم
بر ملاءها، تا که دل بستیم از بد شد بدتر
زان مظالم ما به ذات حق پناهی داشتیم
بهر اخذ چوکی و قدرت ز ملاءهای دون
بی وطن گشتیم و درد بی دوا داشتیم
طالبان دور از فرهنگ و از احکام شرع
ظلم بی حد کردی گر اندک گناهی داشتیم
دست یک خانم به جرم رنگ ناخن قطع شد
ما از آن وحشتگری ها انتباهی داشتیم
دوره های جوع و ظلمانی الهی محو باد
نان خشک نیم شکم را گاه گاهی داشتیم
شهر ویران گشت و ناموس ها بر باد رفت
ما ز غم سیلاب اشک و رنگ گاهی داشتیم
خانه و کاشانه رفت از دست ما سوی فنا
زندگانی در مغاک و پرتگاهی داشتیم
حال کشور شد بدتر از مصلحان کینه جو
"واعظی" زان غاصبان چندین بلایی داشتیم

*** **

(* تبصره ناشر:

این نوشته را جناب مرحوم مغفور میر محمد یونس واعظی به تاریخ ۲۶ جولای ۲۰۰۷ میلادی فقط سه روز بعد از وفات اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، به من (ولی احمد نوری) ارسال فرموده بودند که در آن زمان آنرا در وبسایت افغان جرمن آنلاین که اینجانب هم از گرداندگان آن بودم، نشر نمودم و اینک لازم دیدم به خاطر یاد بود از اعلیحضرت فقید و به مناسبت نهمین سال رحلت شان دوباره در وبسایت آریانا افغانستان آنلاین نشر نمایم.
(**) این نوشته از فصل پنجم کتاب «شاه و مردم» تألیف ولی احمد نوری گرفته شده که هنوز چاپ نشده است. حق استفاده از آن محفوظ مولف است.